



## مثنوی و کلیله و دمنه

مثنوی و کلیله و دمنه دواثر جاوید و پخته زبان و ادب فارسی است که در بهترین موقعیت ممکن ساخته و پرداخته شده اند. مثل و کل صیدا فی جوف الفریء در مثنوی مصداق می یابد. در این بررسی کوششی در زمینه معرفتی جنبی آثار کلاسیک در کنار کلیله و مثنوی صورت گرفته است. (\*)

(\*) در تهیه این مقاله از آثار ذیل استفاده شده است.

- ۱- مثنوی چاپ نیکلسون و کللاه خاور.
- ۲- کلیله و دمنه تصحیح مجتبی مینوی چاپ دانشگاه.
- ۳- درباره کلیله و دمنه تألیف دکتر محمدجعفر محجوب.
- ۴- تاریخ ادبیات در ایران تألیف استاد ذبیح الله صفا.
- ۵- گنجینه سخن تألیف « « «
- ۶- بیانات استاد زرین کوب درس دانشکده ادبیات.

این همه حها و ادراکات ما قطره‌ای میدان از آن بحر صفا  
 هر يك از دو پدیده زبان فارسی یعنی شعر و نثر بر حسب اینکه یکدام  
 موضوع از موضوعات مختلف زبان و سخن مربوط شود با نامی مخصوص خواننده  
 می‌شود. این طبقه بندی از حیث محتوی در شعر چنین است: (۱)  
 ۱- شعر تعلیمی، یعنی شعری که هدفش آموختن است. در گذشته مخصوصاً  
 معمول بوده است که بخشهای مختلف دانش را برای سهولت در امر فراگیری  
 در قالب نظم می‌کشیدند. منظومه‌های نصاب‌الصبيان والفتیه این مالک از این  
 دست خیلی مشهورند.

۲- شعر غنایی یا الیریک یعنی شعری که ایجاد لذت و شغف می‌کند و  
 قدیمترین نوع آن باآلات، موسیقی و چنگ و ساز خوانده می‌شد که بازمانده آن در  
 زبان فارسی کنونی غزل و قصیده و رباعی است.

۳- شعر تمثیلی و آن شعری است که در صورت کلاسیک زبان فارسی نبوده  
 است اما امروز وجود دارد. معمولاً گفت و شنودی است که بین اشخاص داستان  
 انجام می‌شود. کما این نوع شعر اینست که واقعه را نشان میدهد اما آن را توصیف  
 نمیکند که چگونه اتفاق افتاد. سابقه این نوع شعر در زبان فارسی از اوایل  
 دوره مشروطیت فراتر نمی‌رود اما در ادب اروپا بویژه در ادب یونان و روم شعر  
 تمثیلی بمراتب از شعر غنایی قوی تر و با سابقه تر است.

۴- شعر حماسی که کارش توصیف و تصویر وقایع و حوادث قهرمانانی  
 است که معمولاً زندگی و کردار و گفتارشان از زندگی و کردار و گفتار مردم  
 عادی برتر است. این شعر نیز در زبان ما سابقه ممتدی دارد که اوج آنرا باید در  
 فردوسی جست.

نثر فارسی هم مانند شعر از این حیث انواعی دارد زیرا برای موضوعات  
 متفاوت و در قالب‌های گوناگون قرار می‌گیرد. قالب سخن گاه داستانهای

۱- تقسیم بندی شعر از روی هیأت بحور و اوزان مطلب دیگری است که  
 در اینجا منظور نظر نیست.

است عاشقانه و گاه داستانهای قهرمانی و پهلوانی است و زمانی داستانها و حکایاتی که مبین پندها و اندرزها و امثال است و بالاخره مسائل آموزشی مانند فلسفه، اخلاق، تاریخ، تراجم، مسائل انتقادی، مبانی دینی و عرفانی و درها مورد دیگر ممکن است موضوع سخن قرار گیرد.

انعیان همه موارد مذکور متنهای داستانی پهلوانی و ملی قدیمترین متنهای باقی مانده ادبیات فارسی است و شاهنامه‌های منثور و داستانهای پهلوانی ای که بدون تردید تألیف آنها به تقلید از «خدا ینامک» پهلوی (مؤلف به سالهای اواخر دوره ساسانیان) صورت گرفته است، اساس این متون بحساب می‌آید. منشاء این داستانهای قهرمانی را باید در حدود قرنهای چهارم و پنجم دانست که برخی از آنها برای جای‌گزین شدن در حافظه عمومی و باقی ماندن به شعر برگردانیده شدند و بعضی همان صورت نثر باقی ماندند از این دست آنچه به نظم کشیده شده است در بخش شعر حماسی قرار می‌گیرد و آنچه به نثر باقی مانده به اختصار عبارتند از:

داراب‌نامه طرسوسی یا طرطوسی که دنباله آن را مولانا محمد بیغمی ادامه داد و بنام داراب‌نامه بیغمی معروف شد. دیگر «قصه فیروزشاه است» و گاه «فیروزنامه» خوانده می‌شود. از آن پس اسکندرنامه است که در این قسمت سهم بسزایی دارد علی‌الخصوص وقتی که از اصل یونانی خود به پهلوی و عربی برگشت و بدست داستانسرایان دوره اسلامی با شخصیت پادشاه افسانه‌ای عرب ملقب به ذی‌القرنین آمیخت و هسته اصلی داستانهای منظوم و منثوری را ساخت بنام اسکندرنامه که شاعرانی چون فردوسی و نظامی و دیگران بر سر آن طبع آزمایی کردند.

حمزنامه و ابومسلم‌نامه عنوان دو داستان دیگر است که اولین بعدها تحت سلطه اسلام چهره مذهبی بخود گرفت.

داستانهای عاشقانه را انواع گوناگون است که موضوع اغلب آنها عشق دوفض نسبت به یکدیگر است و گهگاه دستخوش حوادث و اتفاقاتی می‌شود و پیچ و خمهایی می‌پذیرد که اغلب همین خم و چمها حلاوت و گیرندگی خاصی بداستان میدهد. از این دست داستانهای هزار و یکشب، افسانه سمک عیار به قلم فرامرزن خداداد، افسانه حاتم طائی، بختیارنامه و صورت دیگری از آن از دقایقی بنام راحة الارواح، بوستان خیال بقلم دیرمحمدنسی گجراتی و داستانهای هزار گیسو، طالب و مطلوب، و اشرف و فیروز، نوش آفرین نامه، شیرین نامه، امیرارسلان نامدار، سلیم جواهری، رزمنامه، قصه چهاردرویش، طوطی نامه عمادین محمدوطوطی نامه ضیاء نخشبی رامی توان نام برد.

در عرصه داستانسرایی از داستانهای حماسی و قهرمانی عاشقانه که بگذریم به قسمی دیگر از داستانها می‌رسیم که جنبه تعلیم و تربیت آنها قوی‌تر است و حکایات در حواشی بیان حکمت و اندرز و مباحث اجتماعی و اندیشه‌ها و خطمشی‌های زندگی اجتماعی دورمی‌زند که غالباً هدف نویسنده داستانپردازی نیست بلکه برای بیدار کردن ذهن خوانندگان و اثبات کلام خود به بیان حکایات و تمثیلاتی متوسل می‌شود که گاهی اسیل و گاهی ساختگی‌اند که غالباً چسبندگی و جذابیت آن بسته به ذوق و قریحه‌ای است که نویسنده در ساختن یا جمع‌آوری مثلها بکار گرفته است. این گونه کتابها چون بدست مردعی مطلع و آگاه که باهمل فضل و دانش سروکار داشتند نوشته می‌شد معمولاً هم مقرون به فصاحت است و هم از آگاهی‌هایی و اگرچه مختصر، در رشته‌های مختلف دانش بشری خالی نیست و از قدیم‌الایام در ردیف کتابهای مهم بشمار می‌آمده است.

از جمله و بهترین کتابی که در این زمینه از ادبیات پهلوی و به توسط آن از اصل سانسکریت بدست ما رسیده کتاب کلیه و دمنه است که به یاری

طیبی بر زویه نام در دوره پادشاهی خسرو انوشیروان و بفرمان او از هند به ایران آمد. این کتاب که به گفته دکتر محمد جعفر محبوب، در مقدمه «عالمنامه» خود بر تحقیقی که در باب آن نموده‌اند - پس از کتابهای آسمانی مقبول‌ترین و موجه‌ترین کتاب دنیا است که نزدیک به سی قرن از تألیف آن میگذرد و هیچگاه در نزد هیچ قوم و ملتی گرد فراموشی بر آن افشانده نشده و ترجمه‌های گوناگون آن هرگز از دست نسل‌های مختلف افراد ملل نیفتاده است. امروزه با نامهای کلیه و دمنه، انوار سهیلی، عیار دانش، همایون‌نامه و اقصانه‌های بیدپای در ادب جهان معروف است. این کتاب از اصل هندی و گوشه‌ای از ادب غنی و کهنسال سانسکریت است، از بدو ورودش به سرزمین وسیع و ادب پرور مامورد استقبال قرار گرفت و از آن زمان تا کنون شاهد ترجمه‌ها و برگردانهای مختلفی از آن بوده‌ایم ابتدا عبدالله بن مقفع مترجم و نویسنده بزرگه قرن دوم هجری آنرا از پهلوی به عربی در آورد و از آن پس بنا بر آنچه از مقدمه شاهنامه ابومنصوری برمی‌آید در زمان نصر بن احمد سامانی و بفرمان آن پادشاه ترجمه‌ای به نشر پارسی از آن شد که تصاویر نقاشان چین را بر آن افزودند و شاید همین ترجمه بود که به تشویق ابوالفضل بلعمی وزیر نصر بن احمد سامانی بوسیله رودکی، شاعر مشهور آن عهد به نظم کشیده شد و افسوس که اکنون از آن منظومه نفیس جز ایباتی پریشان و آهی سرد چیز دیگری برای ما نمانده است. در قرن ششم این کتاب به نشر شیوای ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی آراسته گردید که هنوز هم در میان ما مقبول طبع همه است. دو کتاب انوار سهیلی و عیار دانش تحریرات دو گانه‌ای از کلیله هستند که اولی را کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری (مقوفی بسال ۹۱۰ ه. ق.) و دومی را ابوالفضل علامی وزیر اکبر شاه و یک قرن بعد از کاشفی به رشته تحریر در آورده‌اند گذشته از اینها این کتاب چند بار نیز بزبان عربی ترجمه شده و در قرن هفتم برای بار

دوم بوسیله قانمی و بنام عزالدین کیکاوس از سلاجقه آسیای صغیر به شعر فارسی درآمد. گذشته از دو باب الحاقی کلیله که از افزوده‌های ایرانیان است. آنچه که از اصل هندی نقل شده به‌دو اثر بزرگ هندی متعلق است یکی پنج‌تنترا یا پنج‌کتاب یا پنج اندرز و دیگر مه‌بهاراتا یا بهاراتای بزرگ. بطوریکه از تحقیقات استاد محبوب در کتابش بنام (درباره کلیله و دمنه) - که تاکنون برترین تحقیق در این زمینه است - برمی‌آید پنج باب از کلیله و دمنه عربی و فارسی حاضر از کتاب پنج‌تنترا است که مؤلف آن برهمنی و پشنوی بوده است و سه باب دیگر، از کتاب دوازدهم مه‌بهاراتا موسوم به «شانت پرَب» اقتباس شده است. علاوه بر این حکایت سه ماهی و آبگیر که در باب الاسد و الثور آمده است و نیز حکایت «مردی که از پیش اشتر مست بگریخت و بضرورت خویشتن در چاهی آویخت» که در باب بز رویه طبیب نقل شده است از منظومه مه‌بهاراتا است که بدون تردید از الحاقات بز رویه طبیب می‌باشد. این کتاب جاویدان ادب فارسی مشتمل بر حکایات و داستانهای حکمی، سیاسی و اجتماعی است که قهرمانان آن غالباً در هیأت گاو، شیر، زاغ، آهو، موش، گربه و سایر وحوش و طیور جلوه می‌کنند و به ندرت در لباس سیاه، زاهد، پادشاه، زرگر، سیاح، برهمنان و شاهزاده ظاهری می‌شوند. لطیف طبیعی و ژرفی اندیشه فراهم آوردندگان آن سبب شده است تا، کودکان آنرا به افسانه بخواهند و بزرگان دستور العمل زندگی قرار دهند.

ماخذ اصلی کتاب و الحاقات و اضافاتی که از جانب مردمی فاضل از قبیل بز رویه طبیب، بز جمهر بختگان، عبدالله بن مقفع، نصرالله منشی، رودکی سمرقندی، ابوالفضل علامی، ملاحسین واعظ و دقایقی در ایران بر آن صورت گرفت سبب شده که این پدیده مشترک ادبیات ایران و هند مدت‌های مدید موضوع بحث محافل و مجامع و کتاب درس مدارس و مکاتب قرار گیرد چنانکه هنوز

هم دنباله آن را در مدارس متوسطه و دانشگاههای خودمان می بینیم. بعد از کلیله که بحق باید با عنوان «اثر مادر» در زمینه داستانهای تعلیمی خوانده شود. کتب دیگری از این دست قابل ذکر است مانند سندبادنامه که آن نیز ریشه هندی دارد و از آن دیار به زبان پهلوی نقل شده است دیگر مرزبان نامه که اصل آن بزبان طبرستانی و تألیف مرزبان بن رستم بن شروین از خاندان پانوداست و همانند کلیله به ذکر قصص و امثال و حکم از زبان وحوش و طیور می پردازد و با نثر مصنوع و مشکلی آمیخته است. سپس قابوس نامه عنصرالمعالی کیکاوس در باب تربیت فرزندان و گذشته از اینها سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی، نصیحة الملوك غزالی، گلستان سعدی، اخلاق جلالی تألیف جلال الدین دوانی، اخلاق محسنی از واعظ کاشفی، چهارمقاله نظامی عروضی، رسائل عبیدزاکانی جوامع الحکایات و لوامع الروایات محمد عوفی بخاری، الفرج بعد الشدة قاضی تنوخی، لطائف الطوائف علی بن حسین واعظ کاشفی، زینة المجالس مجدالدین محمد حسینی مجدی، محبوب القلوب میرزا برخوردار فراهی و مفرح القلوب محمد ندیم درخورد ذکر است.

هدف نگارنده در تهیه این وجیزه این بود که درجه شمول و تمایز دو اثر جاویدان و پخته زبان و ادب فارسی یعنی کلیله و دمنه و مثنوی معنوی را همراه با معرفی جنبی بیشتر متون مهم کلاسیک زبان فارسی بشناساند.

(بقیه در شماره بعد)

### کلیله و دمنه

کلیله و دمنه به غالب زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است و کسانی که آنرا بشمر بسته اند عبارتند از :  
عبدالله ابن هلال، اسواری، علی ابن داود، ابن مبارک، آهوبره، ابن هما، ابن همائی، عبدالله ابن العاص، جلال الدین نقاش، سهل ابن هارون ...